

الله أكبر

97117



دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

شکل شناسی در گرشاسب نامه

(ریخت و درون مایه)

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما :

دکتر فاطمه کوپا

مولف : نوشین رفیعی سخایی

اردیبهشت ۱۳۸۷

۹۲۸۱۶

کتابخانه دانشگاه پیام نور
تبریز

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۲

دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

شکل شناسی در گرشاسب نامه

(ریخت و درون مایه)

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما :

دکتر فاطمه کوپا

استاد مشاور :

دکتر مجید سرمدی

مؤلف : نوشین رفیعی سخایی

اردیبهشت ۱۳۸۷

۹۷۸۱۶



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه پیام نور
دانشگاه جامع پیام نور استان تهران

تاریخ
شماره
پیوست

((تصویب نامه))

پایان نامه تحت عنوان :

" شکل شناسی در گرشناسپ نامه "

نمره : ۳۰ بیست و سه
درجه : عالی

تاریخ دفاع : ۸۷/۲/۲۲

اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا	استاد راهنما	دانشیار	
۲- جناب آقای دکتر مجید سرمدی	استاد مشاور	استادیار	
۳- جناب آقای دکتر عبدالحسین فرزاد	استاد داور	دانشیار	
۴- سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا	نماینده گروه	دانشیار	

ن، خیابان انقلاب،

ن استاد نجات اللهی،

ن خیابان سپند،

کلاک ۲۳۳

ن: ۸۸۸۰۱۰۹۰

نار: ۸۸۹۰۳۱۵۸

ت الکترونیکی:

info@Tehran.pnu.

انی الکترونیکی:

http://www.Tehran.pnu

تقدیم به :

مادرم

که سنگ صبور سختی هایم بوده است
و به خواهر دو قلویم مهدیه که سرشار از محبت و ایثار است

همچنین همسرم و

امیر حسین و تهمینه عزیزم که در تمامی راه در کنار من بوده اند

با سپاس بیکران

از زحمات صمیمانه و بی دریغ استاد فرزانه سرکار خانم دکتر

فاطمه کوپا

(استاد راهنما)

همچنین از استاد گرانقدر جناب آقای مجید سرمدی

(استاد مشاور)

تشکر می نمایم.

تلمذ در محضر این بزرگان مایه بس افتخار برای اینجانب بوده است.

شکل شناسی گرشاسب نامه

(ریخت شناسی و درون مایه)

چکیده:

ولادیمیر پراب (۱۸۹۵-۱۹۷۰) فولکلور شناس روسی، آثار فولکلوریک را بر اساس قواعدی صوری دسته بندی می کند. و این روش را ریخت شناسی می خواند. وی می اندیشد که نخستین و مهمترین گام در بررسی قصه ها "رده بندی" آنهاست. پراب "رده بندی" را از محتوا و مضمون قصه به مشخصات صوری و ساختمانی آن منتقل می کند و این مشخصه ها را مورد پژوهش قرار می دهد. او صد قصه روسی را - که آفاناسی یف- جمع آوری کرده بود، انتخاب کرده و به بررسی ریخت شناسیک آنها می پردازد. پراب اجزای سازای قصه ها را به روشهای خاصی جدا می سازد و سپس به مقایسه ی قصه ها بر حسب سازه های آنها می پردازد. وی تحلیل خود را بر اساس "عملکرد" اشخاص قصه، قرار می دهد و برای هر یک از "عملکردها"، نمادی تعیین می کند. این نوشتار، تحلیل حکایات کتاب "گرشاسب نامه" با سه کار گیری روش ریخت شناسی پراب می باشد. کاربرد این روش، آزمونی برای نظریه ی ریخت شناسی در نوع ادبی "اسطوره" به شمار می رود. همچنین با بررسی تطبیقی ساختار حکایت، همگونی هایی در زیر ظاهر آشفته و متفاوت آنها، نمایان خواهد شد.

کلید واژه: ریخت شناسی، پراب، گرشاسب نامه، ساختار، حکایت اسطوره ای.

چکیده	۱
مقدمه	۲
مروری بر گرد آوری و تحلیل "قصه و روایت" تا پژوهش ریخت شناسی "پراپ"	۵
بررسی صوری ساختی قصه ی "گرگ و بزغاله ها"	۷
اسطوره ای و اهمیت نقد اساطیر	۸
پیدایش آثار حماسی و اسطوره ای در ایران	۹
کهن ترین اثر حماسی و ملی ایرانیان	۹
"گرشاسب نامه" اثری حماسی و اسطوره ای	۱۰
گرشاسب در "اوستا" و متون پهلوی	۱۱
گرشاسب در متون فارسی نو	۱۳
"پهلوانی" گرشاسب در متون اوستایی، پهلوی و فارسی نو	۱۵
معرفی مؤلف "گرشاسب نامه"	۱۵
آثار ادبی حکیم اسدی طوسی	۱۵
منابع گرشاسب نامه	۱۶
اوضاع سیاسی و ادبی ایران در دوران تدوین "گرشاسب نامه"	۱۷
اهمیت گرشاسب نامه	۱۸
شکل شناسی (ریخت و درون مایه) "گرشاسب نامه"	۲۰
پی نوشت	

فصل اول : ساختار صوری حکایات

حکایت تزویج دختر شاه زابل با جمشید	۲۲
نبرد گرشاسب با اژدها	۲۸
داستان جنگ گرشاسب با "بهو" در هندوستان	۳۴
قصه ی شاه روم و دخترش	۴۸
حکایت نبرد گرشاسب با کابلیان	۵۸

- نبرد گرشاسب با دیو منهراس ۶۴
- نبرد گرشاسب با "افریقی" شاه "قیروان" ۷۷
- حکایت "نبرد گرشاسب با خاقان چین" ۸۳
- "حکایت نبرد گرشاسب با "فغفور" شاه چین" ۸۷
- حکایت نبرد گرشاسب با شاه "طنجه" ۹۵

فصل دوم : ساختار معنایی

- اسطوره اژدها کشتی ۱۰۲
- آتش و نمادهای آن ۱۰۵
- نیایش پهلوان برای آغاز نبرد با اژدها ۱۰۵
- شگفت ترین نماد در اغلب روایتها ((فرمانبرداری از ضحاک)) است ۱۰۶
- شکار در نخچیرگاه قبل از شروع هر نبرد و پیکار ۱۰۸
- "دیو" در اساطیر ملی ایران ۱۰۹

شگفتی جزایر :

- جزیره "اسکونه" ۱۱۰
- جزیره ای که جایگاه کرگدن های وحشی و شگفت انگیز است ۱۱۲
- جزیره "هدکیر" ۱۱۲
- جزیره "استرنگ" ۱۱۳
- جزیره ای که مردم سر بینی بریده، داشتند ۱۱۴
- جزیره "تاملی" ۱۱۴
- جزیره رونده ۱۱۵
- جزیره "رامنی" ۱۱۵

فصل سوم : نتیجه گیری

- نتیجه گیری ۱۱۷

مشخصات دانشجو :

نام و نام خانوادگی :نوشین رفیعی سخایی
شماره دانشجویی : ۸۵۷۱۰۱۵۹۲۷
دانشکده :پیام نور
مرکز:تهران
رشته : زبان وادبیات فارسی

مشخصات استاد راهنما :

نام و نام خانوادگی : فاطمه کوپا
تخصص اصلی :زبان وادبیات فارسی
آخرین مدرک تحصیلی : دکترا
رتبه دانشگاهی :استاد

مشخصات استاد راهنمای همکار :

نام و نام خانوادگی :مجید سرمدی
تخصص اصلی :زبان وادبیات فارسی
آخرین مدرک تحصیلی : دکترا
رتبه دانشگاهی :استادیار

عنوان پایان نامه :

فارسی :شکل شناسی در گرشاسب نامه

لاتین : *Morphology of GARSHAS NAMH (Morphology&Theme)*

تعریف مسأله و بیان سؤالهای اصلی تحقیق :

ولادیمیر پراپ، فولکلورشناس روسی می اندیشید که در بررسی قصه عامیانه باید از اسلوب مطالعاتی علوم طبیعی استفاده کرد. وی معتقد بود که طبقه بندی قصه ها حاصل کارهای پژوهشی بسیاری است که در پایان مطالعه به دست می آید، ولی عموم محققان ابتدا موضوع را دسته بندی می کنند، سپس مواد کار را در قالب این طبقه بندی تحمیلی می گنجانند. پراپ خود به بررسی ریخت شناسیک صد قصه از مجموعه ای از قصه های روسی پرداخت که آفاناسی یف آنها را جمع آوری کرده بود. وی در یافت که تمامی کارهای موجود در قصه به سی و یک عملکرد محدود میشود. او می پنداشت که در زیر ظاهر آشفته روایات، قوانینی برزایش و تکامل این نوع قصه حاکم است که باید فرمول بندی شود و این دستاورد آغاز گاه علم روایت شناسی به شمار می آید. پراپ برای هر یک از این

برای هریک از این عملکردها نمادی تعیین می‌کنند و با درکنار هم نهادن آنها فرمول نهایی ساخت قصه های پریان را بدست می‌آورد.

کاربرد مدلهای روش شناختی نقد مدرن در ادبیات کلاسیک همیشه با دشواریهایی روبه‌رو بوده است. این نوشته با توجه به آنکه جزو اولین نمونه‌های به کارگیری روش ریخت‌شناسی است، سعی دارد علاوه بر آزمایش این مدل در حوزه ادبیات تطبیقی از دشواریهای این کاردر گذرد. مواد کار این نوشته مجموعه داستانهای گرشاسب نامه است. تحلیل این مجموعه علاوه بر این که آزمونی برای نظریه ریخت‌شناسی به شمار می‌رود، می‌تواند با توجه به مدل ساختاری به دست آمده، حکایات الحاقی را از اصلی جدا کند و در نهایت پرسشهای محوری و بنیادی زیر را پاسخ گوید:

"سوال های اصلی تحقیق"

- ۱- داستانهای گرشاسب نامه با توجه به صبغه ی کلاسیک و حماسی آن تاچه میزانی قابل سنجش و ارزیابی با نظریه ریخت‌شناسی جدید است؟
- ۲- آیا به کارگیری روش تحلیل ریخت‌شناسی قصه های کلاسیک در شناخت بهتر این گونه آثار و ارتباط بیشتر مخاطب با محتوا موثر است؟
- ۳- آیا نحوه تحلیل شخصیت ها و اصناف گوناگون آن (با توجه به نظریه ریخت‌شناسی جدید) قابل انطباق با قهرمانان داستان های گرشاسب نامه می‌باشد.

هدف و اهمیت پژوهش:

کنکاش در زیبایی های ساختاری و محتوایی قصه های کلاسیک و حماسی و انطباق آن با نظریه های جدید شکل‌شناسی، بای نو در جهت پیوند ادبیات با شیوه های پژوهش جدید خواهد گشود.

از این رو هدف اصلی این پژوهش ایجاد این ارتباط و دست‌یابی به تحلیلی نو از درون مایه های ساختاری آثار ادبی خواهد بود. با توجه به اهداف کار بردی این پژوهش، به نظر می‌رسد که انجام پژوهش هایی از این دست می‌تواند راهگشایی مفید در جهت فهم و ادراک هرچه بیشتر مفاهیم و مضامین متون کلاسیک، به ویژه "گرشاسب نامه" باشد، به جز این، پژوهش اخیر در حقیقت مقدمه یا آغازی بر پژوهش های بنیادی و کاربردی در جهت دست‌یابی به نوعی پژوهش تطبیقی میان آثار کلاسیک و نظریه های جدید ادبی است.

به نام خدا

مقدمه

"ولادیمیر پراپ"^(۱) (۱۸۹۵-۱۹۷۰) به همراه ویکتور اشکولوفسکی و میخائیل باختین در حدود سال ۱۹۱۴ مکتب نوینی در مطالعه ادبی بنیان نهادند که بعدها فرمالیسم^(۲) نامیده شد. فرمالیستها، تحلیل متن را از راه تحلیل واقعیت جهان درست نمی دانند و می گویند: باید از راه واقعیت متن، واقعیت خارجی را بشناسیم.

در بررسی آثار ادبی، شرایط تاریخی، اجتماعی و روانی پیدایش آثار، نمی تواند آغازگاه شناخت باشد، از این رو برای نیل به نتیجه ای مطلوب باید به مناسبات درونی عناصر آنها دقت کرد. به طور کلی دو منش اصلی فرمالیستها را می توان چنین خلاصه کرد: (۱) تأکید آنان بر گوهر اصلی و ادبی متن، یعنی خود اثر بود و می کوشیدند تا اجزاء سازنده ی دلالت معنایی متن را از شکل آن، استخراج کنند و به شناخت آنچه در اثر، بازتاب یافته است دست یابند. (۲) برای این کار بر اصل استقلال ادبی تأکید کردند، یعنی صرفاً برای آن دسته از نتایج نظری و ادبی اعتبار قائل می شدند که از بررسی خود اثر به دست آمده باشد، نه از بررسی زمینه های تاریخی پیدایش اثر یا شناخت شخصیت مولف آن "یاکووس" در این مورد می نویسد:

"تاریخ نگاران قدیمی ادبیات به آن مأمورهای پلیسی، همانند هستند که برای دستگیری یک فرد همه کس را بازداشت و اموال همه را ضبط می کنند تا آنجا که دست آخر هر کس را که از خیابان می گذرد، دستگیر می کنند. تاریخ نگاران ادبیات نیز همه چیز را به کار می گیرند: زمینه های اجتماعی، روانشناسی، سیاست و فلسفه، آنان به جای اینکه از روش پژوهش ادبی سود جویند مجموعه ای از اصول خود ساخته را پیش می کشند. در نتیجه فرمالیستها کوشیدند، عناصر متن ادبی، تنها به یاری خودشان تحلیل شوند*.

در این مقدمه، ابتدا مروری بر پژوهش های ادبی قصه تا پژوهش ریخت شناسی پراپ مد نظر خواهد بود. سپس با ارائه ی تعاریفی از "اسطوره" منظومه ی "گرشاسب نامه" به طور کامل معرفی می شود. در مرحله بعد "شکل شناسی" گرشاسب نامه و اهمیت تجزیه و تحلیل ساختاری، تشریح خواهد شد.

* محقق از راه تحلیل واقعیت جهان به دنیای متن راه نمی یابد بلکه از راه واقعیت متن، واقعیت جهان را می شناسد. (احمدی، ۱۳۸۴ صص ۴۳ و ۴۴ - با تلخیص و تصرف)

مروری بر گرد آوری و تحلیل "قصه و روایت" تا پژوهش ریخت شناسی "پراپ":

"نخستین دانشمندانی که قصه های عامیانه را گرد آوردند، برادران "گریم" - ویلهلم و یاکوب- در آلمان بودند. برادران "گریم" و پیروان آنها قصه های عامیانه را بازمانده ی اسطوره ی کهن می دانستند. آنان اثر خود را در سالهای (۱۸۱۲-۱۸۱۴) منتشر ساختند. انتشار این مجموعه اثری عظیم در تحقیقات مربوط به قصه های عامیانه داشت. پس از آن نیز دانشمندان کشورهای مختلف، گردآوری قصه های عامیانه سرزمین خویش را وجهه ی همّت قرار دادند." (پراپ، بدره ای، ۱۳۸۶: ص دو)

"اما نافذترین نظریه ای که در دهه ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ حوزه فولکور شناسی را تکان داد، نظریه مکتب ساختار گرای (۳) بود. "آندره یولس" آلمانی در سال ۱۹۳۰ کتابی به چاپ رسانید که در آن صور اصلی ادبیات عامیانه را تحلیل کرده بود. "لرد راگلان" در کتاب جنجال برانگیزش به نام "پهلوان" در سال ۱۹۳۶ یک طرح کلی داستانی برای قصه ها و اسطوره هایی که با پهلوانان اساطیری و کهن سر و کار داشتند، ارائه کرد."

تحقیقی که همه ی این بررسی ها را تحت الشعاع قرار داد، پژوهش دانشمند فرمالیست روسی "ولادیمیر پراپ" بود که کتاب "ریخت شناسی حکایت" او در سال ۱۹۲۸ چاپ شده بود و ترجمه ی انگلیسی آن در سال ۱۹۵۸ تحت عنوان "ریخت شناسی قصه های عامیانه" باعث شهرت این کتاب گردید. " (پراپ، بدره ای، ۱۳۷۱، ص ۲۷)

"ولادیمیر پراپ"، فولکلور شناس روسی اصطلاح ریخت شناسی را به معنای "توصیف حکایت بر اساس واحدهای تشکیل دهنده ی آنها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل حکایت" به کار می برد. وی بر اساس بررسی یک صد حکایت فولکلوریک روسی نتیجه می گیرد که:

۱. عناصر ثابت و پایدار قصه "عملکرد"^(۴) هایی هستند که اشخاص انجام می دهند. این عملکردها مستقل از اینکه به کدام شخصیت تعلق دارند و چگونه شکل می گیرند، بنیان سازنده قصه به شمار می روند.

۲. شماره عملکردها در این قصه ها محدود است.

۳. جایگزینی و توالی عملکردها همواره یکسان است.

۴. تمامی قصه ها از دیدگاه ساختاری یک گونه است و می توان آن گونه ی نهایی را کشف

کرد.)) (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۴۵- با تصرف و تلخیص)

((بررسی پراپ به این نکته محدود می شود که اشخاص چه می کنند، نه اینکه کار را چه کسی و چگونه انجام می دهد. وی برای تعیین و تعریف "عملکرد"، دو عامل را دخیل می داند:

الف) "کنشگر" به هیچ رو در تعریف، دخالت داده نشود و تکیه بر "جوهر عمل" باشد.

ب) "کنش" نباید بیرون از متن بررسی شود. بلکه براساس اهمیتی که در مسیر حکایت دارد، تعریف می شود. (چون ممکن است اعمال یکسان، معنی متفاوتی داشته باشند.) (پراپ، بدره ای، ۱۳۵۸: ۵۲ - با تصرف و تلخیص)

((کار ریخت شناسی پراپ بر مبنای یک مطالعه ی مقایسه ای بین صد قصه در مجموعه "آفاناسی یف" بوده است و در این کار عناصر ثابت قصه را کارهایی می داند که اشخاص در قصه انجام می دهند. وی این عناصر ثابت را درسی و یک عملکرد محدود می کند.

همچنین مجموعه ی سی و یک عملکرد را علامت گذاری کرده و به شرح هر کدام می پردازد. مثلاً برای عنصر بنیادین و ثابت "شر" نماد X را بر می گیرند و نوزده صورت گوناگون آن را به صورت X_1, X_2, \dots و ... مطرح می کند. (توضیح اینکه خود "شر" با نماد (X)، سرگروه و صورتهای X_1, X_2, \dots و ... زیر مجموعه ی آن به شمار می آیند.) (پراپ، کاشی گر، ۱۳۶۸: صص ۲۰۶-۲۰۳)

((قصه به نظر پراپ "به هر بسط و گسترشی گفته می شود که از یک "شر" X و یا کمبود X آغاز می شود و پس از پشت سر گذاشتن کارهای بنیادینی به "عروسی" N یا کارهای دیگری می انجامد. کار پایانی می تواند "پاداش" Z، کشور گشایی یا رفع شر E، و ... باشد.)) (همان: ۱۴۳)

((هر شر یا کمبود جدید که در سیر قصه روی می دهد، حرکت دیگری آغاز می کند. گاه یک متن می تواند چندین حرکت داشته باشد و تجزیه متن نیز مستلزم تعیین تعداد حرکتها، در قصه است. مسأله ای که باید به آن توجه داشت، این است که این بسط و گسترش حرکتها، همیشه به طور متوالی رخ نمی دهد، بلکه ممکن است، متداخل شود. یعنی چند حرکت با هم آغاز یا گاهی یکی متوقف شود و دیگری ادامه پیدا کند، دوباره این توقف برای حرکت دیگر پیش آید.

این سخن بدین معنی نیست که هر حرکتی، یک قصه جدید است. بلکه یک قصه می تواند در چند جهت گسترش یابد. پراپ این حرکتها را نشان می دهد. اما نسخه ی دقیقی برای تشخیص اینکه چه زمانی این حرکتها، چند قصه و چه وقت یک قصه هستند ارائه نمی کند.)) (فصلنامه پژوهش های ادبی شماره ۶، مجوبه خراسانی، زمستان ۱۳۸۳: ۵۲)

((اصل مهم رده بندی "پراپ" بر این حکم استوار است که اشخاص قصه ها بسیارند ولی تنوع کارهایی که انجام می دهند، بسیار کم است. پراپ در این زمینه به چهار رده دست می یابد:

۱. بسط قصه از طریق عملکرد (مبارزه - پیروزی)
۲. بسط قصه از طریق عملکرد (کار دشوار - انجام کار دشوار)

۳. بسط قصه از طریق هر دو عملکرد (مبارزه - پیروزی) و (کار دشوار - انجام کار دشوار)

۴. بسط بدون هیچ یک از موارد فوق (پراپ، بدره ای، ۱۳۸۶: ۲۰۱ - با تصرف و تلخیص)

در بررسی ساختاری پراپ، شخصیت های حکایات به هفت دسته ی کلی تقسیم می شوند:
۱) قهرمان، دلاوری جستجوگر است، گاه قهرمان قربانی توطئه ها می شود (قهرمان قربانی) نامیده می شود.

۲) شاهدخت یا در مواردی زنی نیکوکار که قهرمان در جستجوی اوست.

۳) بخشنده یا پیشگو که نخست آزمایشگر قهرمان است و سپس یاوراومی شود.

۴) یاریگران و دوستان قهرمان

۵) گسیل دارنده که قهرمان را به ماموریتی می فرستد.

۶) ضد قهرمان که دشمن قهرمان است

۷) قهرمان دروغین که خود را به جای قهرمان معرفی می کند.

به منظور فهم دقیق الگوی پژوهشی پراپ، قصه‌ی معروف "بزغاله‌ها و گرگ" با بررسی ریخت‌شناسی وی، تحلیل می‌شود:

بررسی صوری - ساختنی قصه‌ی "گرگ و بزغاله‌ها"

بزی با سه بزغاله‌ی خود در مرغزاری خانه دارد. \bar{a} وضعیت اولیه*

روزی از روزها مادر بزغاله‌ها می‌خواهد برای فراهم آوردن غذا از خانه خارج شود. e^1 دور شدن بزرگترها

سه بزغاله را دور خود جمع می‌کند و می‌گوید: مبادا در نبود من از خانه خارج شوید، مبادا در را باز کنید، چون گرگی در همسایگی ما خانه دارد. k نهی و تحذیر

مادر بزغاله‌ها خانه را ترک می‌کند، گرگ که در همان نزدیکی به کمین نشسته است، بلافاصله می‌آید و در خانه‌ی بزغاله‌ها را می‌زند، بزغاله‌ها می‌پرسند کیستی؟ او در حالی که صدای خود را به شکل بزغوض کرده، می‌گوید: من مادرتان هستم، غذا آورده‌ام. \bar{a} ترغیب و اغواگری فریبکارانه‌ی شیر

بزغاله‌ها در را باز می‌کنند. q^1 نقص نهی

گرگ حمله می‌کند و یکی از بزغاله‌ها را می‌رباید و با خود می‌برد. X^1 ربوده شدن یکی از اعضاء خانواده

غروب، مادر بزغاله‌ها به خانه باز می‌گردد و دو بزغاله‌ی دیگر آنچه را که اتفاق افتاده به مادرشان خبر می‌دهند. Y^4 شرح درد و بدبختی

مادر بزغاله‌ها به جستجوی گرگ راهی مرغزار می‌شود. $(W-\uparrow)$ تصمیم‌گیری و عزیمت قهرمان

او گرگ را می‌یابد و شکم او را پاره می‌کند. Pu مجازات ضد قهرمان

و بزغاله‌ی ربوده شده را از شکم گرگ بیرون می‌آورد. E رفع شر

با هم به خانه باز می‌گردند. \downarrow بازگشت

* برای فهرست کل نمادها رک. ولادیمیر پراپ: ریخت‌شناسی قصه، ترجمه م. کاشی‌گر، ج اول، تهران، نشر روز، ۱۳۶۸، ص ۲۰

شخصیتها		نمادها	
قهرمان	مادر بزغاله ها	وضیعت اولیه	i
ضد قهرمان	گرگ	(غیبت) دور شدن بزرگترها	e'
یاربگر	دو بزغاله	نهی و تحذیر	k
		نیرنگ شریر	j'
		نقص نهی	q'
		(شر) رپوده شدن یکی از اعضاء خانواده	X'
		شرح درد و بدبختی	Y [±]
		تصمیم گیری و عزیمت قهرمان	(W↑)
		مجازات ضد قهرمان	Pu
		رفع شر	E
		بازگشت	↓

ساختار حکایت

تبادل اولیه | بزى با بزغاله هایش در مرغزاری خانه دارد.

بر هم خوردن تبادل | گرگی در همسایگی آنها ساکن می شود.
مادر بزغاله ها به جستجوی بزغاله ی رپوده شده می رود.
او را از شکم گرگ بیرون می آورد و گرگ می میرد.

تبادل مجدد | بزغاله با مادرش به خانه باز می گردد.

نمودار حرکتی

i | _____ ↓

پراپ معتقد است تعدادی از اسطوره های کهن ساختار مشابهی (شبیبه به قصه پریان) را نشان می دهند و بعضی از آنها را به صورتی خالص و ناب عرضه می دارند. (پراپ، پدره ای، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

متن مورد بررسی ما منظومه ی "گرشاسب نامه" است. این منظومه، مشتمل بر روایات اسطوره ای می باشد، لذا با ارائه تعاریفی، از اسطوره و بیان اهمیت نقد متون اساطیری، روزنه ای بر مبحث اصلی می گشاییم.

اسطوره و اهمیت نقد اساطیر:

معنای واژه ی یونانی *muthos* که لغت اسطوره (= *mythe*) از آن به دست آمده، "گفتار" است. اسطوره گفتار است و پیش از آنکه اندیشیده و بیان شود، احساس و تجربه شده است. اسطوره کلامی است که واقعیات سرگذشت آدمی را گزارش می کند. (رژه باستید، جلال ستاری، ۱۳۷۰: ص ۴۵)

"میرچالیاده" دین شناس رومانیایی، اسطوره را چنین تعریف می کند:

((اسطوره نقل کننده سرگذشت مینوی و قدسی است که در درون نظام نمادین ارائه می شود.))

(والتر ادنیک، طیب، ۱۳۷۹: ص ۱۵۸)

داستانهای ملی، روایات مذهبی، عقاید، خاطراتی که از تکوین تمدن یک قوم باقی می ماند، در اساطیر آن قوم جلوه می کند. آنجا که تاریخ و باستان شناسی خاموش است، اسطوره ها به سخن می آیند و باورهای راستین انسانها را از دور دستهای تاریخ بیان می کنند.

((اسطوره در گسترده ترین معنای آن، گونه ای جهان بینی باستانی است. تلاشهای انسان آغازین در شناخت خود و جهان. کوششهای وی در گزارش جهان و انسان، دبستانی جهان شناختی را پدید آورده است که آن را اسطوره می خوانیم. (کزازی، ۱۳۸۵: ص ۶)

(("لوی استروس" اسطوره را لایه ژرف اندیشه ی انسانی می داند. با تأمل در این سخن "استروس" اسطوره می تواند چیزی غیر از نقل حکایت باشد. روایت یا صورت بندی به واسطه ی الفاظ و کلام یکی از اشکال ممکن آن است، تصاویر و نقوش روی جدارهای غار و ... بعضی حجاری ها و پیکر تراشی ها را نیز می توانیم، اسطوره بنامیم. زیرا همه ی این نقش ها حاوی تصویر رمزی واقعی اجتماعی هستند که ذات و گوهر اسطوره محسوب می شود.))

(رژه باستید، جلال ستاری، ۱۳۷۰: ۴۵)

((دانش اساطیر در شناسایی تاریخ تمدن، روشن ساختن گوشه های تاریک ساخت های اجتماعی کهن و پی بردن به طرز تفکر و اعتقادات مردمان دوران باستان، بسیار مفید است. اگر تحلیل دقیق و فراگیری از اساطیر به عمل نیاید، بار سنگین مطالعه درباره ی تاریخ دوران کهن به دوش باستان

شناسی می افتد. دانش اساطیر می تواند بسیاری از نهادهای ابتدایی ادوار کهن تمدن بشری و ارتباطات اقوام را با یکدیگر مشخص سازد. اساطیر همچون سنگواره هایی هستند که بر سازمانهای اجتماعی ناپدید گشته، گواهی می دهند. (همان: ص ۹۷)

"جان هینلز" در بررسی اساطیر ایران زمین می گوید: ((اسطوره ها منشور هایی هستند که انسان بر طبق آنها زندگی می کند و می تواند توجیهی منطقی برای جامعه باشند. طرحی که جامعه بر آن استوار است، اعتبار نهایی خود را از طریق تصورات اساطیری به دست می آورد.

(جان هینلز، ژاله آموزگار - احمد تفضلی، ۱۳۸۶: ۲۵)

((اسطوره از نظر در بر داشتن تفکرانی درباره ی دیدگاههای آدمی نسبت به خویشتن، جهان و خدا نیز مهم است، اسطوره ها، روایات تاریخی دروغین نیستند. باید پوسته بیرونی اسطوره را به کناری نهاد و به هسته ی آن نظر افکند (همان: ص ۱۹۱)

((حماسه^(۱) (در انواع شعر) زاده ی اسطوره است. حماسه ی راستین و بنیادین^(۱) از دل اسطوره بر می تابد. بنیادها و نمادهای راستین و اسطوره ای را ناخودآگاهی جمعی^(۷) و تباری^(۸) پدید آورده است.)

(کزازی، ۱۳۸۵: ۱۹۱)

در منظومه های حماسی، همانند "گرشاسب نامه" شاعر با داستانهایی شفاهی یا مدون که از اساطیر مایه گرفته اند، سرو کار دارد.

پیدایش آثار حماسی و اسطوره ای در ایران:

((هنگامی که قوم آریایی به ایران آمدند داستانها و روایات و حتی اساطیری از نیاکان خود به همراه آوردند. این روایات و اساطیر به مرور تغییر یافتند. منشاء این تغییرات، تحوّل در باورها و اندیشه ها بود که آن «خود می توانست حاصل تأثیر محیط زندگی و حتی جغرافیایی باشد. از آیین این اقوام، خاطراتی در ذهنها نقش بست و همین خاطرات است که اساس اساطیر مذهبی ایرانیان قدیم را پدید آورده است. باگذر سالها، حقایق تاریخی و سرگذشت پهلوانان ایران، با اساطیر مذهبی در هم آمیخت و داستانهایی منظم پدید آمد که اساس آنها تاریخ و ظاهر آن داستان و بیان آنها اساطیری ودینی بود.

نمونه هایی از همین داستانها را در "اوستا" می بینیم که منشاء داستانهای ملی ایرانیان در دوره های بعدی بوده است.)) (ذبیح الله صفا، ۱۳۸۴: صص ۲۵ و ۲۶)

کهن ترین اثر حماسی و ملی ایرانیان:

((اوستانخستین و کهن ترین کتابی است که داستانهای ملی و حماسی ما در آن تدوین شده است. مهمترین قسمت اوستا از باب تدوین و حفظ روایات ملی و اساطیر مذهبی، نسک معروف "یشتها" است که اصل بسیاری از روایات ملی و حماسی ما در آن دیده می شود. در میان "یشتها" از حیث تحقیق در منشاء روایات ملی و حماسی ایران، یکی از مهمترین یشتها، "آبان یشت" می باشد، که اسامی عده ای از شاهان و پهلوانان و موضوعات داستانی ایران و توران در آن حفظ شده است، مانند هوشنگ، جمشید، ضحاک، فریدون، گرشاسب و... (همان: ص ۳۸) اما از آثار مهم دوره ی پهلوی، "دینکرد"، "بندھشن" و "روایت پهلوی" است که حاوی برخی اطلاعات در باب داستانهای قدیم می باشد. (همان: ص ۵۴)

"گرشاسب نامه" اثری حماسی و اسطوره ای:

((موضوع "گرشاسب نامه" داستانهای ایران قدیم است که مبانی و کلیات آن در اوستا، متون پهلوی و آثار ادبی قرن های اول اسلام یاد شده است. در کتاب "بندھشن" نژاد گرشاسب آمده است. همچنین در کتاب مقدس زرتشتیان درباره ی جنگهای گرشاسب. با ددان و دیوان و سرکشان، روایاتی موجود است که اصول آن با داستانهای "گرشاسب نامه" ی اسدی طوسی مطابق است.)) (یغمایی، ۱۳۵۴: ص ۴)

(به عنوان مثال در یسنای نه داستان جمشید، ضحاک، فریدون و گرشاسب آمده و از آن میان علی الخصوص داستان گرشاسب با تفصیل بیشتری ذکر گردیده است. همین طور در زامیاد یشت (یشت نوزدهم) داستان مفصل گرشاسب آمده است.) (ذبیح الله صفا، ۱۳۸۴: صص ۳۴ و ۳۷) (اشارات فوق، نمایانگر آن است که "گرشاسب نامه" متعلق به ایام پیش از تاریخ بوده است و حاوی برخی اندیشه های مذهبی و فلسفی نیز می باشد. معمولاً ایرانیان عهد قدیم، میان دوره اساطیری و تاریخی، هیچگونه امتیازی قائل نبوده و به عبارت دیگر دوره های اساطیری را مانند ادوار تاریخی تصور می کرده اند.)) (همان: ص ۵۹)